

درنگی در تأویل عرفانی حدیث نبوی «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» در آثار عین القضاة همدانی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد | نیلوفر بهرامزاده
دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد | سلمان ساکت
| ۲۵۷ - ۲۶۴ |

۲۵۷

آینه پژوهش | ۲۱۵ و ۲۱۶
سال ۳۶ | شماره ۵ و ۶
آذر و دی/ بهمن و اسفند ۱۴۰۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. درآمد

در سنت عرفان اسلامی، حدیث نبوی نه تنها منبعی برای احکام شرعی، بلکه دریچه‌ای است به سوی حقیقت وجودی و سلوک باطنی. به سخن دیگر، عارفان با نگاهی فراتر از ظاهر الفاظ، به باطن و رمزهای نهفته در کلام پیامبر (ص) نظر دارند و از آن برای تبیین مفاهیم بلند عرفانی بهره می‌گیرند. تأویل عرفانی حدیث، فرآیندی است که در آن معناهای ظاهری کنار زده می‌شوند تا لایه‌های عمیق‌تر و باطنی آشکار گردد. این تأویل نه بر پایه قواعد صرفاً زبانی یا منطقی، بلکه بر اساس شهود، تجربه انفسی و سلوک روحانی عارف صورت می‌گیرد. در حقیقت عارف، با عبور از سطح لفظ، به معانی جدیدی دست می‌یابد که برای مخاطب عام پنهان است. تأویل عرفانی در برخورد با روایات معصومان (ع) انواع گوناگونی دارد که برای نمونه می‌توان به دو نوع از آنها اشاره کرد: ۱. تأویل طولی که عبارت است از گذر از ظاهر و رسیدن به لایه‌های طولی کلام. در این تأویل، لفظ، معنایی واحد دارد، اما معنا متناسب با مراتب فهم در هر سطحی بالا می‌رود، به طوری که معنا در سطوح بالا با معنای ظاهر کلام تناقضی نداشته باشد. ۲. تأویل عرضی که در آن، یک لفظ یا عبارت در یک سطح از مراتب فهم، معانی متعدد و گوناگونی می‌پذیرد؛ به گونه‌ای که همه آن معانی، مد نظر گوینده است (یزدان‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۸).

۲۵۹

آینه پژوهش | ۲۱۵ و ۲۱۶

سال ۳۶ | شماره ۵ و ۶

آذر و دی/ بهمن و اسفند ۱۴۰۴

تأویل عرفانی حدیث، در واقع کوششی است برای پیوند دادن کلام نبوی با تجربه‌ی درونی انسان و کشف نسبت و پیوند میان ظاهر شریعت و باطن حقیقت. صوفیان و عارفان از قدیم افزون بر آیات قرآن کریم، به احادیث نیز از دریچه تأویل عرفانی نگریسته و مفاهیم عرفانی خود را با بهره‌گیری از احادیث آراسته‌اند. اما به نظر می‌رسد نخستین کتابی که به طور ویژه با هدف تأویل و تفسیر عرفانی احادیث پیامبر (ص) به رشته تحریر درآمده، عرائس الحدیث از روزبهان بقلی (ف: ۶۰۶ ق.) است. او در بخش خطبة الکتاب به سبب تألیف کتاب اشاره کرده و نوشته است: «دریافتم که اهل علوم ظاهر، کتاب‌های بسیاری در تفسیر ظاهر احادیث پیامبر (ص) تألیف کرده‌اند؛ از جمله آثار پیشینیان مانند الموطا، المعالم و الاعلام [فی] شرح الصحاح و الحسان، و از متأخرین مانند شرح السنن. اما در میان مشایخ خود، کسی را نیافتم که کتابی مستقل در بیان حقایق و تفسیر اسرار و غرائب حدیث نگاشته باشد، مگر اندکی که برخی از آنها را به صورت پراکنده در کتاب‌های مختلف شرح داده‌اند. از این رو دوست داشتم کتابی در تفسیر غرائب حدیث پیامبر (ص) تألیف کنم، به گونه‌ای که با حقایق اهل معرفت هم‌راستا و همسو باشد»^۱ (روزبهان بقلی، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۵).

۱. آنچه از قول روزبهان آمده، ترجمه سخنان او از سوی نگارندگان است. اصل کلام روزبهان بدین صورت است: «فقد وجدت اهل علوم الظاهر قد صنفوا فی تفسیر ظاهر احادیث النبی دواوین کثیره: للمتقدمین مثل الموطا و المعالم و الاعلام [فی] شرح الصحاح و الحسان، و للمتأخرین مثل شرح السنن؛ و ما وجدت [من] مشایخنا من صنف کتابا مفردا فی حقایق تفسیر غرائب

او در بخش نخست کتاب با عنوان «ما قاله مصنّف فی تفسیر الاحادیث النبویة» دیدگاه‌ها و تفاسیر عرفانی خود را دربارهٔ احادیث پیامبر (ص) نوشته و در بخش دوم با عنوان «حدیث الاغانة و بیان اقوال المشایخ فی شرحه» به حدیث مشهور پیامبر (ص) یعنی «إِنَّهُ لَيُغَانُ عَلَى قَلْبِي، وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً»^۱ و اقوال گوناگون دربارهٔ آن پرداخته است. «کلمات المشایخ فی شرح بعض الاحادیث النبویة» عنوان بخش پایانی کتاب است که ویژهٔ اقوال مشایخی همچون سهل تستری، سلمی، ابی نصر سراج، ابن خفیف شیرازی و... است. روزبهان در این کتاب مجموعاً حدود ۳۷۶ حدیث نبوی را به صورت عرفانی تفسیر کرده است (صدرایی خوبی، ۱۳۸۹: ۲۳). عین‌القضات همدانی (ف: ۵۲۵ق). اگرچه کتاب مستقلاً دربارهٔ تفسیر و تأویل عرفانی حدیث به رشتهٔ تحریر دریاورده، اما آثار او لبریز از تفسیرهای عرفانی آیات قرآن کریم و برخی از احادیث است. این جستار کوتاه بر آن است تا با تحلیل تأویل عرفانی بدیع عین‌القضات همدانی از حدیث نبوی «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» به یکی از ابتکارات او در این زمینه بپردازد.

۲. پیشینه پژوهش

اگرچه دربارهٔ موضوع تأویل عرفانی آیات قرآن کریم در آثار عین‌القضات همدانی پژوهش‌هایی از جمله «جایگاه قرآن و تأویل آن در تمهیدات عین‌القضات همدانی» از مریم عرب و فاطمه مدرّسی (۱۳۹۰) و «تأویل آیات قرآن در تمهیدات» نوشتهٔ نرجس خاتون میرزایی و لیلا نوروزپور (۱۳۹۷) منتشر شده، اما تا کنون هیچ پژوهشی مبتنی بر تأویل عرفانی احادیث یا تأویل عرفانی حدیث «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» نزد عین‌القضات همدانی منتشر نشده است. مقاله «ریشه‌های تاریخی نگرش عین‌القضات همدانی به حدیث «اطلبوا العلم ولو بالصّین»» از فرامرزی (۱۳۹۷) تنها مقاله منتشرشده‌ای است که به بررسی موضوع حدیث در آثار عین‌القضات همدانی پرداخته است. حتی در مقاله «رویکرد تأویل‌گرایانهٔ عرفا به قرآن و احادیث» نیز نویسندگان به رویکرد تأویلی عین‌القضات به قرآن کریم پرداخته‌اند (رک، حاجی محمدی و سرامی، ۱۳۹۲: ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۱۹)، و هیچ اشاره‌ای به تأویل‌های عرفانی او نسبت به احادیث نداشته‌اند. بنابراین مقاله حاضر، نخستین پژوهشی است که دربارهٔ تأویل عرفانی حدیث «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» در آثار عین‌القضات همدانی انجام شده است.

۲۶۰

آینه پژوهش | ۲۱۵ و ۲۱۶
سال ۳۶ | شماره ۵ و ۶
آذر و دی/ بهمن و اسفند ۱۴۰۴

الحدیث الاقلیل شرح بعض متفرقاته فی کتب شتی، فاحبّ ان اصنّف کتابا فی تفسیر غریب حدیث رسول الله ما وافق حقایق العارفین» (روزبهان بقلی، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۵).

۱. گاهی قلبم را غباری می‌گیرد و من روزی هفتاد مرتبه از درگاه خداوند آموزش می‌طلبم.

۳. عین القضاة همدانی

عین القضاة همدانی (۴۹۰-۵۲۵ ق.هـ) عارف و اندیشمند بزرگ سده ششم هجری است که با تألیف آثار ارزشمندی همچون تمهیدات، نامه‌ها، زیادة الحقایق و شکوی الغریب به عرفان و تصوّف اسلامی، رنگ و بویی دیگر بخشیده است. زبان عرفانی ویژه عین القضاة در کنار جسارت و بی‌پروایی کم‌نظیر او به پدید آمدن مفاهیمی ژرف و نوآوری‌هایی گوناگون در ساحت عرفان انجامیده است. قاضی با نگاه تازه خود به موضوعات و مسائل مختلف، گاه تأویل‌های عرفانی جدیدی ارائه کرده که در آثار صوفیان پیش از او دیده نشده است. به‌طور کلی گاهی عین القضاة با برهم زدن اساس دیدگاه‌های سنتی و رایج صوفیه، نکته یا مطلبی را مطرح کرده که برگرفته از نبوغ و ابتکار وی است؛ البته او خود به این موضوع در آثارش اشاره کرده و گفته است که نقل اقاویل گذشتگان را دوست ندارد (رک: عین القضاة همدانی، ۱۴۰۲ ب: ۵۸/۱ و ۲۳۰) و از راه سلوک به مفاهیم ژرف عرفانی دست یافته است (همان: ۳۱۳/۲). هنگامی که آثار قاضی را با تعمق و ژرف‌نگری می‌خوانیم، درمی‌یابیم که تأویل عرفانی او از آیه «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» متفاوت با دیگر عارفان و همسو با یکی از مهم‌ترین کلیدواژه‌ها در منظومه عرفانی اوست.

۴. حدیث نبوی «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ»

صاحب صحیح مسلم در باب «تحريم سخن چینی» نوشته است که: «به حذیفه چنین خبر رسید: مردی سخن چینی می‌کرد. حذیفه گفت: از رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: سخن چین وارد بهشت نمی‌شود» (مسلم بن حجاج، ۱۳۹۳: ۱۴۰/۱). بعدها عارفان و اندیشمندان زیادی به مناسبت‌های گوناگون در آثار خود این حدیث را نقل کرده‌اند. برای نمونه غزالی (ف: ۵۰۵ ق.) در احیاء علوم الدّین در باب آفت سخن چینی نوشته است: «وَوَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ» و در تفسیر آمده است که «هُمَزَةٌ»، سخن چین را گویند. و گفت: «حَمَالَةُ الْحَطَبِ». و بدان زن ابولهب را خواست که سخن چین بود، و حدیث را حمل کردی و به دیگری رسانیدی. و گفت حق تعالی: «فَخَانَتْهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا»، ای، زن نوح و لوط علیهما السلام ایشان را در دین خیانت کردند، پس نوح و لوط عذاب خدای را از ایشان دفع نکردانیدند. و گفته‌اند که زن لوط، قوم او را از رسیدن مهمانان خبر کردی، و زن نوح، قوم او را گفتی دیوانه است. و پیغامبر علیه السلام گفت: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ»، ای، سخن چین در بهشت نرود. و در حدیث دیگر: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ». و «قَتَاتٌ» هم سخن چین را گویند (غزالی، ۱۳۹۲: ۳۱۶/۳). بنابراین غزالی به معنای قاموسی «نمَام» نظر داشته و از این حدیث در معنای رایج آن بهره برده است. او در

کتاب مکاشفة القلوب نیز دوبار به حدیث مذکور اشاره کرده و متناسب با سخن خود، معنای ظاهری آن را به کار برده است (همو، ۱۴۲۲: ۹۷، ۳۸۷). همچنین میبیدی در تفسیر سورة «تبت» به مادر ابولهب و احوال او و برخی از ویژگی‌هایش همچون گستاخی و سخن‌چینی اشاره کرده و نوشته است: «قال النبی (ص): «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَات» و فی روایة اخرى: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ»» (میبیدی، ۱۳۷۱: ۶۵۸/۱۰). بنابراین میبیدی نیز به معنای قاموسی «نَمَام» یعنی سخن‌چین توجه داشته است.

۵. تأویل عرفانی عین‌القضات همدانی از حدیث «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ»

در نظام فکری عین‌القضات همدانی آدمیان باید با نگرش تازه و جدید به پدیده‌های گوناگون بنگرند و از سر عادت برخیزند و پیروی از پیشینیان خود را کنار نهند. به باور او مشاهده حقیقت و جمال اسلام (عین‌القضات همدانی، ۱۴۰۲ الف: ۶۸) و تجلّی اسرار آیات قرآن (همان: ۱۲، ۱۷۶) در گرو ترک عادت است. بر اساس اندیشه قاضی، نگاه آدمی به مسائل گوناگون باید مبتنی بر تأمل باشد (همو، ۱۴۰۲ ب: ۹۲/۲) و سالک فراتر از سخنان گذشتگان به موضوعات گوناگون بنگرد و هرچه شنیده است، به دست فراموشی سپارد (همان: ۱۰۲/۲). این موضوع در اندیشه عین‌القضات همدانی بسیار پررنگ و مهم است، تا آنجا که او در جای جای آثار خود به مناسبت‌های گوناگون، به ترک عادت اشاره کرده و مخاطب را از «عادت‌پرستی» برحذر داشته است. به باور او «نَمَام» در حدیث «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ»، کسی نیست که سخن‌چینی می‌کند، بلکه شخصی است که با الگوگیری از سخنان گذشتگان و پیشینیان خود رفتار می‌کند: «ای عزیز، اگر خواهی که جمال این اسرار بر تو جلوه کند، از عادت‌پرستی دست بردار که عادت‌پرستی، بت‌پرستی باشد. نبینی که قدح این جماعت چگونه می‌کند «إِنَّا وَجَدْنَا أَبَاءَنَا عَلَى أَمَةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ!» و هرچه شنوده‌ای از مخلوقات فراموش کن «بِئْسَ مَطِئَةً الرَّجُلُ زَعْمُهُ». و هرچه شنوده‌ای، ناشنوده گیر که «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ». و هرچه بنماید نادیده گیر «وَلَا تَجَسَّسُوا». و هرچه بر تو مشکل گردد جز به زبان دل سؤال مکن و صبر کن تا رسی «وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ». نصیحت خضر قبول کن «فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّى أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا»» (همو، ۱۴۰۲ الف: ۱۲-۱۳). او در یکی از مکتوبات خود نیز به این موضوع اشاره کرده است: «هرچه بشنوی ناشنوده گیر! که، لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ. و هرچه نمایند نادیده گیر!» (همو، ۱۴۰۲ ب: ۱۰۳/۲). بنابراین در منظومه فکری عین‌القضات، «نَمَام» شخصی است که سخنان پیشینیان را «ناشنوده» نمی‌گیرد، از آنها تقلید می‌کند و از عادت‌های خود و

دیگران دست بر نمی‌دارد. به عبارت دیگر مقصود از «سخن چینی» این شخص، تکرار باورها و نگرش‌های قدما است. تأویل عرفانی عین‌القضات از این حدیث تا آنجا که می‌دانیم در آثار دیگر عارفان و صوفیان دیده نشده و از ابتکارات او به شمار می‌رود.

نتیجه‌گیری

حدیث نبوی «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» در آثار عین‌القضات همدانی با تأویل و نگاهی تازه همراه است. به باور عین‌القضات، اگر آدمی از آموخته‌ها و شنیده‌های پیشین خود عبور کند و تأمل و اندیشه را چاشنی کارهایش قرار دهد، از عادت پرستی گذر کرده است؛ اما اگر انسان از چهارچوب باورها و عادت‌های خود فراتر نرود و بر اساس اعمال پیشینیان خود رفتار کند، بر اساس حدیث «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَمَامٌ» مصداق «نمَام» است و بی‌تردید به بهشت راه نخواهد یافت. تأویل عین‌القضات از حدیث مذکور بدیع و مبتنی بر یکی از مهم‌ترین مفاهیم عرفان و تصوّف او یعنی «عادت‌ستیزی» است.

منابع

۱. حاجی محمدی، محمود و سرامی، قدمعلی. (۱۳۹۲). «رویکرد تأویل‌گرایانه عرفا به قرآن و احادیث». عرفان اسلامی. سال ۱۰. شماره ۳۹. ص ۹۷-۱۳۱.
۲. روزبهان بقلی. (۱۳۸۹). عرائس الحدیث. تصحیح و تحقیق: علی صدرایی خویی و تعلیق و تحشیه: علی امینی نژاد. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم.
۳. صدرایی خویی، علی. (۱۳۸۹). «مقدمه مصحح»، رک: روزبهان بقلی، ۱۳۸۹.
۴. عین القضاة همدانی، ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی. (۱۴۰۲ الف). تمهیدات. به تصحیح عقیف عسیران. چاپ پنجم. تهران: اساطیر.
۵. عین القضاة همدانی، ابوالمعالی عبدالله بن محمد بن علی میانجی. (۱۴۰۲ ب). نامه‌های عین القضاة همدانی. به تصحیح علی نقی منزوی و عقیف عسیران. چاپ پنجم. تهران: اساطیر.
۶. غزالی، ابوحامد محمد. (۱۳۹۲). احیاء علوم الدین. ترجمه مؤیدالدین محمد خوارزمی. به کوشش حسین خدیو جم. چاپ هشتم. تهران: علمی و فرهنگی.
۷. غزالی، ابوحامد محمد. (۱۴۲۲). مکاشفة القلوب المقرب الی علام الغیوب. مصحح: عبدالمجید طعمه حلبی. بیروت: دارالمعرفة.
۸. مسلم بن حجاج. (۱۳۹۳). صحیح مسلم. مترجم: خالد ایوبی نیا و مصحح: حسین رستمی. ارومیه: مؤسسه انتشاراتی حسینی اصل.
۹. میبدی، احمد بن محمد. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عده الابرار. به سعی و اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: امیرکبیر.
۱۰. یزدان‌پناه، سید یدالله. (۱۳۹۲). «بررسی اصول و مبانی تأویل عرفانی از منظر روایات». حکمت عرفانی. سال دوم. شماره اول. بهار و تابستان. ص ۷-۲۴.